



کارگران جهان متحد شوید!

پنجشنبه، ۵ آبان ۱۳۸۴
۲۷ اکتبر ۲۰۰۵

کارگر کمونیست ۲۰

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

صفحه ۳

آزادی اعتصاب بحثهای منصور حکمت در میزگرد بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی

این جنگ سرمایه داران علیه کارگران باید متوقف شود

جنبش اعتراضی کارگران، پیشروها، موانع

شهلا دانشفر

علیه کشتار کارگران معدن "باب نیزو" بپاییزیم!

محمد مزرعه کار

تلاش میکنم به این مساله بپردازم و استنتاجات خودم را بیان کنم.

جنبش کارگری و پیشروی های آن

۱- ابراز وجود علنی رهبران کارگری

يك دستاورد مهم جنبش کارگری

صفحه ۵

تنها در سه ماهه اول سال جاری بیش از دو هزار اعتصاب و تجمع کارگری روی داده است. کارگران به اشکال مختلف اعتراض میکنند، بر سر خواستههایشان پافشاری میکنند، اولتیماتوم میدهند، دست به اعتصابات طولانی مدت میزنند و ما شاهد يك تب و تاب دائمی در محیط های کارگری و در میان کارگران هستیم. من در این نوشته

روند رو به رشد جنبش اعتراضی طبقه کارگر و رشد رادیکالیسم در راس این اعتراضات، امروز موقعیتی در جنبش کارگری بوجود آورده که باید با تعمق بیشتری به آن نگاه کرد، پیشروی ها و نقطه قوتهای آنرا دید و موانعش را شناخت و از آن استنتاجات عملی روشنی برای به جلو بردن این جنبش بدست داد. بنا به گزارشهای دولتی

معدن ۴ تن دیگر از کارگران بقتل رسیده بودند. چرا کارگران و رهبران عملی و پیشروان باید آسان از کنار این جنایت بگذرند؟ مسئول عدم رسیدگی نسبت به ایمنی محیط کار که منجر به "مرگ ناگهانی" در اثر سوانح کار و همچنین کشتار تدریجی کارگران در اثر وجود مواد سمی و خطرناک در محیط کار چه کسی هست؟ علیرغم هشدار کارشناسان که بدلیل وجود گازهای سمی و خطرناک کار در این شرایط را فاجعه بار اعلام کردند، چه کسانی اجازه دادند تا کارگران پیشروی و استخراج که همیشه در معرض

زمانی که گلوله های نیروی سرکوب جمهوری اسلامی قلب کارگران موقت و پیمانی را که خواهان رسمی شدن در معادن مس خاتون آباد کرمان بودند نشانه گرفت کارگران به خاطر مطالبات بحق جانشان را باختند و جنبش کارگری ایران فریاد کارگران معترض را به چهارگوشه جهان رسانید. اما ۲۲ شهریور ۱۳۸۴ دولت جمهوری اسلامی، سرمایه داران و کارفرمایان حریص و سودجو و استثمارگر يك جنایت دیگری را علیه کارگران معدن "باب نیزو" تحمیل کردند که ظاهرا پاسخ به اعتراض کارگر نیست، بلکه "ناشی از سوانح حین کار" است. باید توجه کرد که یکماه قبل نیز در همین

صفحه ۷

تجربه مهم کارگران نساجی کردستان در مقابل حمله نیروهای انتظامی و عوامل اطلاعات

صفحه ۲

جمهوری اسلامی،

از خطرناکترین کشورها برای فعالین کارگری

ناصر اصغری

نساجیهای سنج و احضار و اذیت و آزار فعالین کارگری این نساجیها، به حرام بودن اعتصاب در جمهوری اسلامی، به بند و بستهای آیل او با جمهوری اسلامی، به کنترلهای شدید دولت بر محیط کار، به از زیر قانون کار خارج کردن کارگاههای کوچک، و غیره اشاره میکند. این

صفحه ۸

اتحادیه های کارگری (۲۰۰۵)، گزارش نسبتا مبسوطی از وضع اعتراضات و سرکوبهای کارگری ارائه داده است. این گزارش به نهادهای دستساز دولت از جمله شوراها و اسلامی کار و خانه کارگر، به سرکوب و به قتل رساندن کارگران خاتون آباد کرمان، به دستگیری و دادگاه فعالین کارگری در اول ماه مه ۲۰۰۴ در سقر، به مبارزات کارگران

بر اساس اطلاعات مطبوعاتی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد جهان (ICFTU)، منتشره در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۵، در میان ۱۹۳ کشور جهان ۱۳ تای آنها خطرناکترین کشورها برای فعالین کارگری هستند و ایران یکی از این ۱۳ کشور خطرناک است. ICFTU در گزارش سالانه خود تحت عنوان "ایران: بررسی سالانه نقض حقوق

حمله به کارگران اعتصابی در کانادا

مهران محبوبی صفحه ۸

اعتصاب کارگران پتروشیمی بیستون صفحه ۸

تغییر طول موج رادیو انترناسیونال صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران نساجی کردستان در مقابل حمله نیروهای انتظامی و عوامل اطلاعات تجربه مهمی را به نمایش گذاشتند

امروز دوشنبه ۲ آبانماه بهشارتی یکی از مدیران کارخانه نساجی با تعدادی از عوامل خود مجددا اقدام به روشن کردن ماشینهای کارخانه کردند. بهشارتی دیوار شیشه ای بین کمپرسور و موتورخانه و درهای ورودی را با میله های آهنی شکست که بتواند ماشینها را روشن کند. اما کارگران اجازه ندادند که ماشین روشن شود. امروز همچنین ساعت ده و نیم صبح سرهنگ جواد اکبری همراه ۱۲ نفر و دو ماشین نیروی انتظامی وارد کارخانه شدند. سرهنگ اکبری اسامی ۱۰ نفر از کارگران را خواند و اعلام کرد که برای دستگیری این ۱۰ نفر، بعنوان عوامل اغتشاش به کارخانه آمده اند. اما کارگران متحدانه و سازمان یافته صحنه باشکوهی را در مقابل آنها به نمایش گذاشتند. سرهنگ اکبری اسامی ۱۰ نفر از کارگران را خواند و هربار کارگران دسته جمعی اعلام کردند که ما هستیم. اکبری با صدای بلند شیت امانی را صدا زد، کارگران دسته جمعی جواب دادند ما هستیم. اکبری صدا زد باقر رحیمی، کارگران یکصدا گفتند ما هستیم. اکبری گفت هادی زارعی، کارگران فریاد زدند ما هستیم. فرمانده نیروهای انتظامی اسامی نامدار و رزنده هوشیار، فرشید بهشتی زاد، ناصر زارع رمشتی، رضا صید مرادی، اقبال مرادی و دیگر کارگران را هم خواند و کارگران با هر اسامی دسته جمعی جواب دادند. سرهنگ اکبری عصبانی شد اما مورد تمسخر بیشتر قرار گرفت. کارگران سرهنگ و همراهانش را هو کردند و با دادن شعار آنها را از کارخانه بیرون کردند. کارگران همچنین در مجمع عمومی خود بحث کردند و متحدانه تصمیم گرفتند چنانچه هرکدام از نمایندگان را احضار کنند، همه ۴۰۰ کارگر کارخانه مقابل اطلاعات و ستاد خبری تجمع خواهند کرد. کارگران همچنین کمیته ای در حمایت از نمایندگان خود ایجاد کرده و اطلاعیه هایی را در سطح شهر پخش کرده اند. بدین ترتیب کارگران نساجی يك تجربه مهم دیگر را به نمایش گذاشتند و اعلام کردند که متحد و با اعتماد بنفس ایستاده اند و تسلیم این تهدیدات و زورگویی ها نخواهند شد. این اقدام جسورانه و متحدانه که با درایت خاصی به اجرا گذاشته شد، اعتماد به نفس کارگران و نمایندگانشان را بالا برده

است. کارگران و مردم شریف و زحمتکش: وقت آن است که با تمام قوا و به هر شکل که میتوانید از جمله با تجمع در مقابل کارخانه از کارگران نساجی و خواسته های بحق آنها حمایت کنید. حضور نیروهای سرکوبگر در کارخانه را شدیداً محکوم کنید و کارگران را در مقابل دست درازی وزارت اطلاعات و سایر نیروهای سرکوبگر به کارگران و نمایندگان آنها، تنها نگذارید. کارگران نساجی شایسته حمایت گرم و قاطع شما هستند. این اعتصاب باید پیروز شود. باید به کارفرما و دولت نشان داد که وقت قلدری و زورگویی گذشته است و خواسته های کارگران باید تماماً و فوراً پاسخ داده شود. این اعتصاب متعلق به همه شما و پیروزی کارگران پیروزی همه شما است. زنده باد کارگران نساجی کردستان زنده باد اتحاد

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آبان ۸۴ - ۲۴ اکتبر ۲۰۰۵
asangaran@aol.com
۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۷
www.iskraa.org

کارگران نساجی کردستان: امروز ۴ آبان تجمع کردند، فردا ۵ آبان تمام شیفتها مجمع عمومی

بنا به گزارش کمیته کردستان حزب، بدنبال اطلاع کارگران از توطئه کارفرمای نساجی کردستان برای روشن کردن ماشینها و شکستن اعتصاب ساعت ۸ صبح امروز کارگران در مقابل کارگزینی کارخانه تجمع کردند. تعدادی از کارگرانی که روز قبل به تصمیم اشتباه خود پی

برده بودند در کنار کارگران اعتصابی قرار گرفتند و در تجمع آنان شرکت کردند، و تعداد دیگری از آنها از حضور در کاخانه خودداری کردند و بدین وسیله توطئه کارفرما نقش بر آب شد. کارگران از این مرحله از اعتصاب نیز با دستانی پر بیرون آمدند و پیروزمندانه مجمع عمومی

فردا پنجشنبه را اعلام کردند. قرار شد کارگران هر چهارشیفت فردا پنجشنبه ساعت ۸ صبح مجمع عمومی خود را برگزار کنند تا نمایندگان گزارش اقدامات خود را به کارگران بدهند و کارگران درمورد اعتصاب و چگونگی پیشبرد مبارزه تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: فاتح بهرامی

Email: kargar_komonist@yahoo.com
Fax: 001 309 404 1794

مسئول اجرایی: ناصر اصغری

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

جلیل بهروزی

jalil1917@yahoo.com

شهرلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

محمد مزرعه کار

sammymazraekar@yahoo.com

کاظم نیکخواه

k.nikkhah@ukonline.co.uk

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

آزادی اعتصاب

بحثهای منصور حکمت

در میزگرد بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی، از کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش" - فصل دوم

مصطفی صابر: منظور از آزادی اعتصاب مشخصاً چیست. دامنه آزادی اعتصاب چقدر باید باشد؟ اعتصاب رسمی و غیر رسمی چیست؟ آیا هر اعتصابی رسمی شناخته میشود و هیچ محدودیت و قید و شرطی روی اعتصاب میتواند وجود داشته باشد یا خیر؟ منصور حکمت لطفاً شما شروع کنید.

منصور حکمت: هیچ نوع محدودیتی روی آزادی اعتصاب نباید وجود داشته باشد. حق دست از کار کشیدن در هر لحظه که کارگران، هر تعدادی شان، اراده بکنند مثل حق نفس کشیدن است. اگر این حق را از کارگر بگیرند بهمان درجه جامعه را به دوره برده داری برگردانده اند. کارگر باید بتواند دست از کار بکشد و بگوید بدلیل اینکه اشکالی در کار می بینم کار را متوقف میکنم. این به معنی زدن زیر اصل قرارداد کار یا نفی کار کردن و نفی کل موازینی که تولید جامعه بر آن مبتنی است نیست. کارگر میگوید در این مقطع معین کار نمیکنم چون اشکالی در کار میبینم. آزادی اعتصاب یعنی هیچکس نمیتواند کارگری را که کار را متوقف کرده است مجبور کند که کار کند. اگر حق اعتصاب وجود نداشته باشد یعنی اینکه اگر من کارگردست از کار بکشم ایشان میتواند بیاید و مرا بطور فیزیکی مجبور کند کار کنم. کسی نمیتواند آزادی اعتصاب را خط بزند و همراه با این کار سرنیزه را نیاورد. چون اگر من دست از کار بکشم تو بالاخره چکار میکنی تا مرا به کار ناگزیر کنی؟ بنابراین من فکر میکنم آزادی اعتصاب هیچ قید و شرطی بر نمیدارد. و دقیقاً به درجه ای که این آزادی را محدود میکنند، کارگر را از موقعیت یک انسان آزاد در جامعه، یعنی همان صورت از نظر حقوقی آزادی که جامعه سرمایه

داری به فرد داده است، خارج کرده اند و به موجودی تبدیل کرده اند که اختیار خودش را ندارد. منتها مساله ای که در مورد آزادی اعتصاب وجود دارد آن وضعیتی است که اعتصاب برای خود کارگر بوجود میآورد. برای مثال در کشوری ممکن است بگویند که فقط در مورد اعتصاب رسمی حقوق ایام اعتصاب پرداخت میشود و در اعتصاب غیر رسمی حقوق پرداخت نمیشود. هرکس میتواند دست از کار بکشد، و البته اگر اعتصابش غیر رسمی باشد حقوق نمیگیرد. در کشور دیگری برای مثال میگویند اعتصاب آزاد است مشروط بر اینکه موضوع اعتصاب به همان کارگاه و همان بخش از کارگران مربوط باشد. یعنی شما نمیتوانید در دفاع از مبارزات کارگران بخش دیگر در جامعه و یا در دفاع از یک امر اجتماعی دست به اعتصاب بزنید. فقط هنگامی مجاز به اعتصاب هستید که در کارخانه خودتان خبری شده باشد و یا بر سر دستمزده خودتان بلاتنی آمده باشد. این محدودیت نوع دوم از جنس محدود کردن آزادی اعتصاب بطور کلی است. اما اینکه موازین پرداخت حقوق در اعتصاب رسمی و غیر رسمی چیست اینها میتواند در چهارچوب اصل آزادی اعتصاب مورد بحث باشد و خود جنبش کارگری میتواند این موازین را تعیین بکند. این حق مسلم هر کارگری است که هر لحظه میخواهد ابزار را به دلیلی زمین بگذارد و دست از کار بکشد. اما ممکن است اکثریت کارگران با اینکار موافق نباشند. ممکن است سازمان مستقل کارگری با این کار موافق نباشد. اینها یک تفاوتی بویژه در جنبه مالی اعتصابات ایجاد میکنند. دستمزدها حین اعتصاب چه میشود. این را میتوان در چهارچوب آزادی

کامل اعتصاب هنوز بحث کرد. بحث اعتصاب رسمی و غیر رسمی در خودش این فرض را دارد که مرجعی برای اعلام رسمیت و یا عدم رسمیت اعتصاب وجود دارد. و این مرجع نمیتواند جز یک مرجع کارگری و منتخب کارگران باشد. باید سازمان و نهادی کارگری باشد و توسط کارگران به رسمیت شناخته شده باشد. ممکن است گفته شود که تا آزادی تشکل نباشد اعتصاب رسمی هم بنابراین معنی ندارد و تکلیف مساله آزادی اعتصاب نامشخص میشود. من فکر میکنم حتی در بدترین حالت هم کارگران میتوانند مجمع عمومی واحدی را که دست به اعتصاب زده است بعنوان مرجعی که میتواند رسمیت اعتصاب را اعلام بکند و بر این مبنا خواهان حقوق کامل ایام اعتصاب بشود قرار بدهند. خلاصه کلام حق اعتصاب یک حق مسلم انسانی است و نقض آن برملا کننده افشاء کننده بردگی طبقاتی ای است که در جامعه سرمایه داری برقرار است. در این چهارچوب میشود تازه در مورد اعتصاب رسمی و غیر رسمی موازین مالی اعتصاب صحبت کرد. این را هم بگویم که فکر نمیکنم کشوری باشد که آزادی بی قید و شرط اعتصاب در آن برقرار باشد. هر کشور سرمایه داری به نحوی از انحاء آزادی اعتصاب را محدود کرده است. اما برای کارفرما چنین محدودیتی وجود ندارد. اگر کسی دارد ادعا میکند که جامعه اش مبتنی بر مواجهه آزاد صاحبان و وسائل تولید است، یکی سرمایه دار یعنی مالک ابزار تولید و منابع فنی و فیزیکی کار و دیگری صاحب منبع زنده تولید یعنی نیروی کار، آنوقت سلب آزادی اعتصاب مثل این میماند که کارفرما حق نداشته باشد سرمایه اش را جابجا بکند. آزادی

اعتصاب برای کارگر غیر قابل چشم پوشی است و کارگری که به همین بند رضایت داده باشد که آزادی اعتصاب نداشته باشد و یا این آزادی محدود باشد دیگر باقی قید و بندهای بردگی و بندگی را دارد قبول میکند.

مصطفی صابر: سوالی اینجا مطرح میشود و آن اینست که طبق صحبت های شما بنابراین مثلاً اگر در یک کارخانه یک سوم کارگران بخواهند اعتصاب بکنند و بقول شما دست از کار بکشند با این حساب نمیتوانند اعتصابشان را رسمی کنند چون دو سوم بقیه چنانچه مجمع عمومی ای در کار باشد به احتمال زیاد رای منفی میدهند.

منصور حکمت: نخیر. بحث من ابداً بر سر این نیست که چه کسری از کارگران اگر طرفدار اعتصاب باشند اعتصاب رسمی است. این را باید سازمان کارگری مربوطه تعیین کند. اگر من بعنوان رای دهنده در آن مجمعی باشم که میخواهد این موازین را تعیین کند که اگر چه درصدی از کارگران بخواهند اعتصاب کنند اعتصاب رسمی خواهد بود، میگویم ده درصد. هنوز چنین سازمانی را نداریم. اینطور نیست که نصف بیشتر کارگران یا بخش قابل ملاحظه ای از کارگران باید موافق باشند تا اعتصاب رسمی بشود. ممکن است بخش معینی از قسمت معینی این حد نصاب را تامین کند. ممکن است در یک کارخانه فقط یک قسمت بخاطر مسائلش اعتصاب کند و کل کارخانه، با اینکه مستقیماً در این مساله ذینفع نیست، به آن قسمت حق بدهد و کلاً بیاید بیرون. یعنی اعتصاب آن قسمت را رسمی اعلام کند. تصمیم راجع به این چیزها دست خود تشکل کارگری

است و فکر میکنم اگر دست خود کارگر باشد ملاکی میگذارد که دست و بال خودش را نبندد.

مصطفی صابر: در مورد اعتصاب رسمی و غیر رسمی باز مشکلی که من دارم بجای خود باقی است. من فکر میکنم رسمی و غیر رسمی کردن اعتصاب محدودیت هائی بر آزادی بی قید و شرط اعتصاب میگذارد. و فکر میکنم گفتن اعتصاب رسمی و غیر رسمی لزومی ندارد. اعتصاب به این معنی است که عده ای از کارگران تصمیم میگیرند که کار را متوقف کنند و طبعاً این در یک واحد و یک محدوده معینی معنی دارد که همانطور که ایرج آذرین هم گفت بالاخره یک عده ای بقیه را قانع میکنند و دست به اعتصاب میزنند. نگرانی من از تقسیم اعتصاب به رسمی و غیر رسمی اینست که محدودیت ایجاد کنیم و بهانه ای دست کارفرما بدهیم که بتواند دستمزده حین اعتصاب کارگران را ندهد و اعتصابات را، که کارگران برای کسب حقوقشان براه انداخته اند، تحت عنوان غیر رسمی بودن سرکوب کند.

منصور حکمت: ببینید اتفاقاً برعکس تصور شما مقوله اعتصاب رسمی به کارگر قدرت میدهد. اعلام اعتصاب رسمی یعنی اینکه از آن لحظه به بعد در اعتصاب بودن کارگران وضعیت قانونی و داده شده جامعه است و هرکس خلاف آن کار کند کار غیر قانونی کرده و باید ببردند زندان. اعتصاب غیر رسمی یعنی من دست از کار کشیده ام و توبه کارت ادامه میدی تا تکلیف اختلاف روشن بشود. این را هم کسی حق ندارد دست به تنش بزند. اما اعتصاب رسمی یعنی اگر پاسبان از آن اطراف



رد شد باید پاسبان را بیاندازند زندان و اگر کارفرما خواست جنسهای انبار را جابجا کند باید ببرندش زندان. چرا که اعتصاب رسمی است. دوم اینکه این به طبقه کارگر وحدت میدهد. اگر من و شما وقتی میخواهیم اعتصاب صورت بگیرد مساله را به تشکل کارگری مان، به مجمع عمومی مان، ببریم و این مجمع به اعتصاب رای بدهد، آنوقت آن یکی هم که درد خاصی ندارد باید بیاید بیرون. هیچ کارفرمایی حق ندارد از جای دیگر، از خارج اتحادیه و شورا و تشکل کارگری، استخدام کند و سر کار بگذارد. در اعتصاب غیر رسمی اتحادیه می ایستد و نگاه میکند و قسمت ها بکار خودشان ادامه میدهند. جنس ها را هنوز میبرد و میفروشد. بنابراین بحث بر سر تبدیل شدن اعتصاب به قانون مملکت است. وقتی یک سازمان کارگری مستقل اعتصاب را رسمی اعلام میکند، دارد به دولت میگوید که در این حوزه معین اصل بر اعتصاب است و هرکس که خلاف آن کار کند عمل غیرقانونی انجام داده است و قابل تعقیب است. این نکته اصلی است. اما ببینید یک مساله دیگر هم هست. وقتی کارگر ایرانی از اعتصاب حرف میزند فوراً در ذهن همه، خود کارگر و دیگران، "شلوغی" مجسم میشود. مردم بهم میگیرند "آقا از آن خیابان رد نشو آنجا کارخانه فلان اعتصاب است یکوقت یک تیری، سنگی، چیزی به کله ات میخورد" و هرکس میشنود که کارگر جانی اعتصاب کرده است پاشنه کفشش را ورمی کشد و اگر کنجکاو نباشد از یک کوچه دیگر میروند. اما وقتی بانکها پول کسی را بلوکه میکنند آن خیابان امن و امان است. اینهم اعتصاب است دیگر. وقتی فلان وزارت خانه حقوق یک عده را نمیدهد اعتصاب کرده است. دست از فعالیت متعارف و نرمال خودش کشیده است. دست به اقدام فوق العاده زده و کار عادی اش را نمیکند. ولی نه پاسبانی میاید نه چیزی. ما تباحل ندیده ایم که پلیس بزور به دفاتر اتحادیه کارفرمایی بریزد (همانها که این قانون میگوید باید تشکیل بشود و معلوم نیست

چرا خودشان برای اینها شورای اسلامی کارفرمایان درست نمیکند) و اینها را بگیرد و زندان ببرد و بگوید که چرا پولهایتان را خوابانده اید. این را ندیده ایم. اما تا دو کارگر با هم جمع میشوند و میگویند دست از کار بکشیم اول از همه به کلاتری و ژاندارمری محل خبر میدهند که با دوتا جیب بیاید آنجا. این اقدام بطور کلی با آزادی اعتصاب مغایر است. اما درحالت اعتصاب رسمی آن کسی که در خانه اش نشست و خبر اعتصاب را میشنود فوراً فکر نمیکند که فلانجا شلوغ است. بلکه این را میفهمد که در آنجا کارگران بطور رسمی و قانونی دست از کار کشیده اند. به این ترتیب اعتصاب برای کارگر هماقدر امری عادی و برای جامعه امری برحق میشود، که هر نوع اعمال خشونت علیه آن و هر نوع دست درازی به آن را از نظر جامعه غیر موجه و مذموم میکنند. این بنظر من نکته بسیار تعیین کننده ای است. بحث بر سر رابطه جامعه است با اعتصاب. بر سر مساله وحدت کارگری است. نکته دیگری که میخواهم بگویم اینست که اعتصاب رسمی اساساً انعکاس قدرت تشکل کارگری است. در صورتی که اعتصاب غیر رسمی یک اعتراض است که البته کسی حق ندارد جلوی آن را بگیرد. اما وقتی کارگر میگوید اعتصاب رسمی است همراه آن تشکل کارگری را در صدر جامعه قرار میدهد. بعنوان سرنوشت آدمها. اگر کارگران برق گفتند اعتصاب رسمی، دیگر دولت نمیتواند مردم را تحریک کند که برق تان خاموش میشود. کما اینکه ممکن بود برای خودش صرف نکنند و سوخت نخرند و برق را در ساعاتی خاموش کند. همانطور که دولت انتظار دارد مردم با قطع برق از طرف دولت بسازند با قطع برق بدلیل اعتصاب هم باید بسازند. فکر میکنم این رابطه جامعه را با کارگر اعتصابی بهبود میدهد، چرا که هرکس میفهمد که فلان اتحادیه دارد برای گرفتن حق کارگران از امکانات قانونی خودش استفاده میکند. کسی نخواهد توانست به

سادگی جامعه را علیه کارگر تحریک کند. اینها مسائل مهمی است و من کاملاً اعتقاد دارم که مقوله اعتصاب رسمی باید باشد و در هر قانون کار واقعی تعریف بشود. ببینید، بسیاری چیزها "حق" هست اما استفاده از آنها خیلی سخت است. کسی مثال میزد که در آمریکا همه "حق دارند" درانتخابات ریاست جمهوری رای بدهند، اما بین محل زندگی بعضی ها تا اولین صندوق رای گیری ۲۵۰ کیلومتر فاصله است و در غیاب وسیله نقلیه عمومی و شخصی اینها رای نمیدهند. اینها عملاً حق رای دادن ندارند چون کسی نیاید از آنها رای بگیرد. قاعده عمومی در مورد حق اعتصاب هم همین است. قانون کار باید حق اعتصاب را برسمیت بشناسد. اما هنوز فاکتورهائی وجود دارد که این را تضمین میکند که اعتصاب عملی هست یا نه. بورژوازی چگونه کمر اعتصاب ها را میشکند؟ بنظر من اساساً با فشار اقتصادی. البته در کشورهایی مانند ایران اول قشون میکشند. اما حتی آنجا هم معمولاً، یا در دوره هایی، کارگران مقاومت میکنند و از این مرحله بیرون میایند و زیر فشار سرکوب زانو نمیزنند. اما وجه مشترک روش بورژوازی علیه اعتصاب در همه جا اعمال فشار اقتصادی است. بنابراین حقوق ایام اعتصاب جای اساسی در بحث آزادی اعتصاب دارد. برای همین است که کارگران همیشه اعتصاب را با مقوله صندوق اعتصاب کنار هم میبینند و تشکیل صندوق اعتصاب اولین قدم راه انداختن هر اعتصابی است. به این معنی یک بعد از بحث آزادی اعتصاب اینست که کسی حق ندارد علیه اعتصاب قشون بیاورد. و بنظر من اگر کارگری روز اعتصاب بزند و کسی را که برای سرکوب اعتصاب آمده بکشد، از نظر حقوقی باید به مقتول مثل کسی که خودش را زیر ماشین انداخته است نگاه کرد. ایشان اصلاً آنجا چکار میکرد. چه کسی به او گفت که دم کارخانه برود. این آدمها بنا بر اصل آزادی اعتصاب قابل مجازاتند. اما طرف میتواند

ارتشش را بیاورد، میتواند مانند مورد اعتصاب معدنچیان انگلستان جنس را انبار کرده باشد و صبر کند. بورژوازی انگلستان هم کارگران را زد و هم ذغال سنگ انبار کرده بود و صبر کرد. ملتها صبر کرد. معدنچیان یکسال و اندی دوام آوردند و حتی جنگیدند. از پس پلیس انگلستان و تاکتیکها و روشهای سرکوبگرانه اش که برآمدند. ۵۰۰ کیلومتر دورتر از محل اعتصاب معدنچی را که از خانه بیرون میآمد توقیف میکردند. کارگران از پس این برآمدند. آنچه که کمر اعتصاب معدنچیان را در انگلستان شکست، نهایتاً فشار اقتصادی بود. برای مقابله با این فشارهای اقتصادی است که بنظر من مساله دستمزد ایام اعتصاب جزء لایتنجری آزادی اعتصاب است. اینجا بحث اعتصاب رسمی تعیین کننده است. منتها اعتصاب غیر رسمی چه؟ آیا در این مورد نباید دستمزد پرداخت شود؟ بنظر من اعتصاب غیر رسمی ای که بعداً رسمی میشود باید حقوقش از روز اول آن محاسبه و پرداخت بشود. کارگری که ابتکار عمل را با اعتصاب غیر رسمی بدست میگیرد و بعد بخشهای دیگر طبقه خود را مجاب میکند که باید به صحنه بیایند، نباید بابت این ابتکار عمل و پیشرو بودنش از نظر مالی متضرر بشود. به این معنی حتی در مورد اعتصاب غیر رسمی هم جا دارد که دستمزد پرداخت بشود. بیش از این دیگر خود کارگران برای اعتصاب کردن صندوق درست میکنند و غیره. بنظر من مساله فراهم کردن امکان مادی برای اعتصاب نکته بسیار مهمی است. از تضمینهای حقوقی در مقابل دولت و پلیس و دادگاههایش و غیره تا تضمین های مالی. مثال دیگر مساله ضرورت وجود تضمینهای برای اموال اتحادیه ها و سازمانهای کارگری است. ممکن است فرداً برای اموال فلان تشکل کارگری، حتی اگر چنین تشکلهائی وجود داشته باشند، ورقه مصادره و ضبط صادر کنند. همه اینها باید در بند مربوط به آزادی اعتصاب گنجانده شده باشد. اینکه هیچ دادگاه و مرجعی حق دست بردن

به اموال تشکلهای کارگری را ندارد، اینکه کارفرما حق جابجائی محصولات و اموال را در حین اعتصاب ندارد و اگر کارفرما بیاید و از اموال کارخانه "خودش" حین اعتصاب چیزی ببرد باید بعنوان دزد بگیرندش. رسمی شدن اعتصاب کارگری یعنی تبدیل شدن حالت اعتصاب به موقعیت متعارف قانونی و هرکس که اخلاسی در آن وارد کند باید قانوناً مورد تعقیب قرار بگیرد.

مصطفی صابر: یک محور و پایه صحبت شما اینست که کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار این حق را دارد که هروقت خواست نفروشد و شرایط دیگری برای فروش نیروی کارش تعیین بکند. آیا همین حق را نمیشود در قانون کار به طرف مقابل یعنی کارفرما داد؟ یعنی اینکه هروقت دلش خواست کار را متوقف بکند و کارخانه را بخواباند و بگوید به این ترتیب حاضر نیستم ادامه بدهم.

منصور حکمت: تا بحال کسی نتوانسته است عملاً این "حق" را از کارفرما بگیرد. اما بنظر من از نظر حقوقی کاملاً میشود این "حق" را به کارفرما نداد. بنظر من کارفرما باید به اشکال مختلف زیر کنترل نهادهای کارگری باشد. طرف از یک امتیازات از پیشی در جامعه برخوردار است و بافرض اینها تازه در کارخانه با کارگر مواجه میشود. اگر او هم حاضر باشد مثل کارگر ۳۵ ساعت کار کند، چیزی از کارفرما بودنش باقی نماند. نباید به کارفرما این حق را داد که هروقت دلش خواست کار را بخواباند، زیرا معاش میلیونها نفر را این جامعه به ناحق زیر نگین انگشتر ایشان گذاشته و ایشان هر روز تصمیم بگیرد که عده ای را به گرسنگی بیااندازد میتواند. بنظر من این جزو حقوق هیچ بشری در این دنیا نیست. عاطل کردن وسائل تولید در یک کشور به صرف مالکیت باید در یک سطح پایه ای تر، در سطح قانون اساسی کشور، در یک جامعه جرم محسوب بشود. بنابراین نمیشود کارفرما را بهمان درجه آزاد گذاشت.*

از صفحه ۱

جنبش اعتراضی کارگران، پیشروها، موانع



بویژه در دو ساله اخیر، تلاش و حرکت رهبران کارگری برای ابراز وجود علنی و اجتماعی است. ما شاهد این هستیم که در اعتراضات کارگری، رهبران کارگری دارند جلو می آیند، سحنگوی اعتراض کارگران میشوند، با رسانه ها و تلویزیونهای مختلف مصاحبه میکنند و از خواستهها و مطالباتشان حرف میزنند، پشت تریبونها میروند و با اسم و رسم خود سخنرانی میکنند. با اسم و رسم خود در سایتهای خبری و در نشریات و جاهای مختلف مطلب مینویسند. این را ما در اول مه امسال دیدیم و در اعتراضات کارگری شاهدش هستیم. این نشانگر رشد رادیکالیسم و چپ در راس جنبش اعتراضی کارگری است. این آراء و جهتی است که به جنبش اعتراضی طبقه کارگر و رهبران این جنبش هویت میدهد و به آن امکان میدهد که در عرصه سیاسی جامعه قد علم کند و ابراز وجود کند. این یک پیشروی مهم در جنبش کارگری در ایران است.

۲- رشد همبستگی کارگری

یک دستاورد دیگر جنبش اعتراضی کارگری باز هم بویژه در دو ساله اخیر رشد همبستگی کارگری در این اعتراضات است. کارگر نساجی کردستان اعتصاب میکند، کارگر کارخانه شاهو و ایران خودرو و غیره از آن پشتیبانی میکنند. کارگران شاهو برای ادامه اعتراضشان به تهران میروند فعالین کارگری از کارخانجات مختلف به جمع آنها میپیوندند و از اعتراض آنان حمایت میکنند. طومارهای اعتراضی و پیامهای حمایتی دارد بعنوان یک سنت مبارزه در میان کارگران جای خود را باز میکنند. از جمله در بسیاری از اعتراضات کارگری ما شاهدیم که کارگران تلاش دارند حرکت خود را به بیرون از کارخانه بکشاند، صدای اعتراض خود را نه تنها در سطح جامعه بلکه در سطح

بین المللی منعکس کنند و خطاب به مردم و سازمانها و تشکلهای بین المللی پیام میدهند و میخواهند از اعتراضشان حمایت شود. این شکل از مبارزه و تلاش برای دامن زدن به همبستگی کارگری در اعتراضات جاری خود امروز به فاکتور مهم در قدرتگیری اعتراضات کارگری تبدیل شده است. از جمله در نتیجه این فعالیتهاست که میبینیم چگونه اعتراض کارگران کارخانه ای با مثلا ۴۰۰ کارگر نظیر کارخانه شاهو و نساجی کردستان در فضای سیاسی شهر تاثیر میگذارد و به موضوع بحث در کارخانجات دیگر و در شهرهای دیگر تبدیل میشود و این خود بر روی کارفرما و دولت برای روشن کردن تکلیف کارگران و خواستهها و مطالباتشان به اهرم فشاری قوی تبدیل میشود.

۳- متوسل شدن به مکانیزم های

اجتماعی مبارزه و گسترش آن
یک نقطه قوت اعتراضات کارگری امروز متکی شدن این اعتراضات به مکانیزمهای اجتماعی مبارزه و مطلع نگاه داشتن جامعه از خواستهها و مطالبات هر حرکت اعتراضی است. این کاری است که کارگران نساجی کردستان و نساجی شاهو کردند و در این جهت حتی الگوهای پیشروی در برابر جنبش کارگری در ایران قرار دادند. مطلع نگاهداشتن دائم مردم از روند اعتراض و خواستههایشان، شرکت فعال خانواده های کارگری در این اعتراضات، نامه دادن به نهادهای بین المللی و بیان روشن خواستهها و مطالبات، مصاحبه کردن با رسانه های مختلف و تلویزیون کانال جدید همه نمونه ای برجسته ای از این کار است. این شکل از مبارزه اجازه میدهد که مردم از حرکت کارگران حمایت کنند. رژیم نتواند کارگران را در انزوا قرار دهد و سرکوب کند و کارگران بتوانند با قدرت بیشتری خواستههایشان را پیگیری کنند.

اینها سنتهایی است که در اینجا و آنجا در حرکتهای اعتراضی کارگری در جاهای مختلف دارد شکل میگیرد ولی هنوز به سنتی گسترده و قوی در جنبش کارگری تبدیل نشده است و باید برای آن تلاش کرد.

۴- مجامع عمومی کارگری شکل قوام یافته تری بخود گرفته است

اگر نگاهی به جنبش اعتراضی کارگران بکنیم اولین چیزی که میتوان مشاهده کرد متکی بودن این اعتراضات به مجامع عمومی کارگری است. برپایی مجمع عمومی کارگری امروز به امری هر روزه در محیطهای کارگری تبدیل شده است. به درجه ای که اعتراضات گسترش مییابد، ما شاهد برپایی این مجامع و اعمال اراده کارگران از طریق جمع شدن هایشان هستیم. در دل این جمع شدن و مبارزه کردنهاست که مجامع عمومی کارگری شکل گرفته و کارگران آموخته اند که در آنجا تصمیم بگیرند، قطعنامه صادر کنند، اولتیماتوم بدهند، نمایندگان خود را انتخاب و به کارفرما و دولت تحمیل کنند و بدین طریق خواستههایشان را دنبال کنند. به عبارت دیگر مجامع عمومی کارگری امروز دارد هم بعنوان ظرف اعتراض کارگران و هم محلی برای ایجاد اتحاد و همبستگی در اعتراضاتشان نقش ایفا میکند. در دل اعتراضات هر روزه است که مجامع عمومی کارگری دارد هر روز شکل قوام یافته تری بخود میگیرد.

در همین اعتراضات یکماهه اخیر بود که ما در مواردی چون دوده صنعتی ساهو و یا لوله سازی اهواز شاهد بودیم که وقتی به کارگران گفته میشود که کارفرما با شورای اسلامی مذاکره خواهد داشت تا پاسخ آنها را بدهد، کارگران میگویند ما شوراهای اسلامی را برسمیت نمیشناسیم، ما در کارخانه و در درون مجمع عمومی مان با شما مذاکره خواهیم کرد و نمونه دیگر و پیشرفته تر آن در نساجی کردستان و نساجی شاهو است. در این کارخانجات کارگران مرتباً در مجمع عمومی خود جمع میشوند، تصمیم میگیرند و بطور دائم از طریق نمایندگان خود در جریان

پیشرفت مسائلشان قرار میگیرند. اینها همه پیشرویهایی جنبش کارگری و نشانگر اینست که امروز ما فاصله کوتاهی تا تشکیل مجامع عمومی منظم کارگری و تثبیت این مجامع بعنوان ظرف اساسی اعتراض و اعمال اراده کارگران به کارفرما و دولت هستیم. از سوی دیگر ما در بسیاری جاها شاهد بوده ایم که دولت و کارفرما تلاش کرده اند با برپایی نشستهای فرمایشی با حضور نمایندگان شوراهای اسلامی و حراست و آخوند و کارفرما، به مجامع عمومی کارگری شکلی فرمال بدهند و مانع تشکیل مجامع عمومی خود کارگران بشوند. اما این نشستها هیچ ربطی به مجمع عمومی کارگران نداشته است و ندارد و کارگران با ابراز انزجار و با بی اعتنائی خود نسبت به چنین نشستها و مجامعی عملاً اجرای چنین سیاستی را به شکست کشانده اند. بعلاوه اینکه در هر کجا که تجمعی برپا شده آنرا به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده و با اعتراضاتشان عرصه را بر حراست و شوراهای اسلامی و کارفرما تنگ کرده اند. به عبارت دیگر امروز در کارخانجات از یک طرف کارفرما و حراست و مزدوران شوراهای اسلامی قرار دارند و از سویی دیگر کارگران و تجمعات اعتراضیشان. این روندی است که ما هر روزه شاهد آن در اعتراضات کارگری هستیم. شاهد این هستیم که شوراهای اسلامی و خانه کارگر هر روز بی اعتبار تر و منزوی تر میشوند و مجامع عمومی کارگری شکل قوام یافته تری بخود میگیرد. اینها همه پیشرویهای جنبش کارگری است که امروز ما را در موقعیت بسیار مساعدی برای دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری بعنوان نطفه های شوراهای واقعی کارگری قرار داده است.

رشد سازمانیابی اعتراضات کارگری

ما امروز علاوه بر مجامع عمومی کارگری با اشکال دیگری از سازمانیابی جنبش اعتراضی کارگری و اشکالی چون ایجاد صندوق های مالی کارگری روبرو هستیم. نمونه آنرا در بیان ۳۸ نفر از

کارگران شاهو برای تشکیل صندوق همبستگی مالی و فراخوان به همه بخش های دیگر جامعه برای کمک رساندن به اعتراض آنان و یا در میان بخشی از کارگران کشت و صنعت مغان و تشکیل صندوق مالی از جانب آنها میتوان دید. تشکیل صندوق همبستگی مالی خود شکل دیگری از ایجاد همبستگی در میان کارگران و شکل دادن به مجامع عمومی کارگری حول این صندوق هاست. تشکیل صندوقهای همبستگی مالی سنتی است در جهت متحد کردن بیشتر کارگران، جلب حمایت بخشهای دیگر جامعه از اعتراضات کارگران و تقویت و دامن زدن به برپایی جنبش مجامع عمومی در کارخانجات است. تشکیل صندوق خود امکان میدهد که کارگران گرد آن جمع شوند. با جلب کمک و پشتیبانی به صندوق خود در برابر فشارهای مالی بر روی کارگران و تضعیف اعتراض و مبارزه شان مقاوم شوند و با این کار اعتراض را از درون کارخانه به درون جامعه بکشانند. با توجه به اهمیت و این خواص صندوقهای همبستگی مالی، دولت و کارفرمایان عملاً در مقابل تشکیل آن سد ایجاد میکنند. با ایجاد موانع حقوقی در برابر آن از تشکیل آن جلوگیری میکنند، اما تجربه کارگران شاهو با بیانیه ای به امضای ۳۸ کارگر در این کارخانه، تجربه آموزنده ایست که باید آموخت. تجربه ای که به کارگران در دیگر کارخانجات راه نشان میدهد.

امروز کارگران دارند در عمل تجربه میکنند که ایجاد تشکل کارگری امر خود آنانست و کارگران تنها باید با اتکا به قدرت خود تشکلهایشان را ایجاد کنند و وجود آنرا بر دولت و کارفرمایان تحمیل کنند. بطور مثال دولت اجازه تشکیل صندوق همبستگی مالی را به کارگران شاهو نمیدهد، اما کارگران جمع میشوند، بیانیه میدهند و آنرا تشکیل میدهند و کسی هم نمیتواند کاری کند.

در هر حال نکته قابل توجه امروز اینست که وقوع اعتصابات طولانی مدت، براه افتادن طومارهای اعتراضی و شکل گرفتن حمایتهای کارگری حول این



طومارها و اعتراضات بیوقفه و متوالی کارگران همه و همه خود حاکمی از درجه بالایی از سازمانیافتگی اعتراضات کارگری و نشانگر وجود شبکه های مبارزاتی قوام یافته ای از رهبران رادیکال و معترض در راس این اعتراضات است.

رشد رادیکالیسم و چپ در راس اعتراضات جاری

يك مشاهده ساده به اعتراضات دو ساله اخیر در جنبش کارگری به روشنی نشانگر اینست که رادیکالیسم و چپ در راس این اعتراضات نفوذ و اتوریتیه بیشتری یافته است. این را در شعارها و خواسته های این اعتراضات، در اشکال سازمانیابی آن و در تحرکی که امروز در جنبش کارگری شاهد هستیم، میتوانیم ببینیم. امسال برای اولین بار در اول مه سرود انترناسیونال علنا پخش میشود و رهبران کارگری پشت تریبونها قرار میگیرند و از نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم سخن میگویند. این خود به تنهایی جایگاه و موقعیت چپ در جنبش کارگری را تصویر میکند. نمونه باشکوه دیگر آن مارش اول مه با پرچمهای سرخ و با پلاکارد کارگران جهان متحد شوید در سندانج است که خود گوشه دیگری از رشد چپ در جنبش کارگری را به نمایش میگذارد. همینطور وقتی در میز مذاکرات با کارگران کارخانه شاهو و نساجی کردستان رسماً سخن از این میروید که این حزب کمونیست کارگری است که هدایت کننده مبارزات آنهاست و به آنها تهیب زده میشود که چرا اخبار آنها در سایتهای این حزب و در سطح بین المللی انعکاس یافته است، کارگران قاطعانه میایستند و میگویند ما خواستمان را میخواهیم. این نیز گوشه دیگری از رشد چپ در جنبش کارگری و در عین حال موقعیت حزب کمونیست کارگری در این جنبش را نشان میدهد.

از سوی دیگر به مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها نگاه کنیم. برای اولین بار کارگران خودشان با خواستی مشخص برای میزان حداقل دستمزدهایشان، با

خواست ۴۵۰ هزار تومان در گام اول قدم به جلو میگذارند و حول آن جنب و جوش و تحرک پیدا میشود. با این کار کارگران به تصمیم دولت مبنی بر تعیین حداقل دستمزدها نه میگویند، میگویند که شورای عالی کار را بعنوان مرجع تعیین دستمزد ها برسمیت نمیشناسند، میگویند نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی، نمایندگان آنها نیستند و اعلام میکنند این ما کارگران هستیم که باید نرخ فروش نیروی کارمان را تعیین کنیم و دستمزد ما نباید کمتر از ۴۵۰ هزار تومان باشد. این يك جنبش رادیکال و تعرضی است که شکل گرفته است و خود بیانگر حال و هوای پر تب و تاب جنبش اعتراضی طبقه کارگر در شرایط امروز است.

موانع کجاست؟ نکات کلیدی کدامند؟

به جنبه های مهمی از پیشروی های جنبش کارگری اشاره کردم. اما مشکل کجاست که علیرغم کثرت اعتراضات کارگری، علیرغم فضای پر تب و تاب جامعه و علیرغم همه این پیشرویها، چرا اعتراضات کارگری هنوز شکل پراکنده ای دارد؟ چرا طبقه کارگر هنوز از معضل داشتن تشکل قدرتمند توده ای و علنی خود رنج میبرد؟

يك مانع اساسی که میتوان بر روی آن انگشت گذاشت شقه شقه کردن طبقه کارگر تحت سیاست استخدامهای قراردادی و موقت است. تکه تکه کردن صنایع و سپردن هر بخش آن به يك پیمانکار و متفرق کردن کارگران در واحدهای بزرگ و صنعتی است. اما علیرغم همین معضل است که ما شاهد چنین سطحی از جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران هستیم. علیرغم همین معضلات است که ما شاهد پیشرویهایی هستیم که بالاتر به آن اشاره کردم. بطور مثال میگویند صنایع نساجی مستهلك شده و سود آور نیست، ماهها به این کارگران دستمزدی پرداخت نمیکند و مرتباً در میان آنان بیکارسازی و اخراج صورت میگیرد، اما وقتی این کارگران میایستند و مبارزه میکنند، فوراً شاهد عقب نشینی دولت هستیم. فوراً شاهد این هستیم که به قول خودشان بودجه بحران

تصویب میشود و میخواهند صدای اعتراض کارگران را آرام کنند. یعنی این اقتصاد نیست که تعیین میکند. این اعتراض کارگران و قدرت مبارزه شان است که حرف آخر را میزند. از همین روست که ما شاهد رشد هر روزه اعتراضات کارگری هستیم. بنابراین امروز هم توازن قوا و هم موقعیتی که جنبش کارگری در آن قرار گرفته، امکان میدهد که بطور مثال تشکلهای سراسری علنی و توده ای کارگری، شوراهای را شکل داد، امکان میدهد که مبارزات طبقه کارگر را حول شعارهای سراسری و متحد کننده سازمان داد و به بیشترین همبستگی و اتحاد در میان اعتراضات بخشهای مختلف جامعه دامن زد. برای تحقق همه اینها نقش و جایگاه کارگران کمونیست و رهبران کارگری تعیین کننده و کلیدی است. اما نکات کلیدی دیگر کدامند؟

به حزب کمونیست کارگری پیوندید

يك گام اساسی برای کارگران کمونیست و رهبران کارگری امروز اینست که به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند. حزب کمونیست کارگری امروز بطور واقعی رادیکالیسم چپ را در جامعه نمایندگی میکند و افق و استراتژی روشنی را در مقابل فعالین چپ و رهبران کارگری قرار میدهد. باید به این حزب پیوست. متشکل شدن در این حزب امروز يك اهرم قدرتمند در قدرت دادن به اعتراضات کارگری و رادیکالیسم آست. تماس و ارتباط رهبران کارگری با ما، مطلع کردن ما از دقایق اعتراض و مبارزاتشان، استفاده از تریبونهای این حزب از رادیو انترناسیونال و تلویزیون کانال جدید برای رساندن صدای اعتراضشان به سطح جامعه و بدست گرفتن سیاستها و برنامه هایی که حزب در دستور خود گذاشته است، بطور واقعی رهبران کارگری و اعتراضات جاری را در موقعیت بسیار قدرتمندتری قرار خواهد داد. با متشکل شدن در صفوف حزب میتوان با افق و چشم انداز روشنتری اعتراضات جاری را هدایت کرد و به پیش برد. باید به این حزب پیوست و در عین حال بصورت متشکل و

سازمانیافته اعتراضات جاری را هدایت کرد و به جلو برد. تصور را بکنید وقتی حوزه های حزبی در راس اعتراضات جاری کارگری فعالند و برای هر لحظه و هر گام آن نقشه و برنامه میریزند، شعار ها و خواسته های رادیکال، شفاف و روشنی را به درون این اعتراضات میبرند، آنگاه در سطحی بزرگ و ماکرو میتوان به این مبارزات سمت و سو داد و شعارها و سیاستهای حزب را به سیاستهای این جنبش تبدیل کرد. امروز سازمانیابی حزب در میان کارگران يك حلقه کلیدی در توده ای کردن رادیکالیسم در جنبش کارگری است و در روند اعتراضی طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای دارد.

ابراز وجود علنی رهبران کارگری و کارگران چپ و کمونیست هنوز يك ضرورت است

من به ابراز وجود علنی کارگران کمونیست و رهبران کارگری و جنب و جوش هایی که در این زمینه در میان این بخش از کارگران بوجود آمده بعنوان يك پیشروی در جنبش کارگری اشاره کردم. بویژه نسل جوان کارگری دارد با این سنتها بار میاید و به جلو گام برمیدارد. اما این امر مهم هنوز به يك سنت جا افتاده و قوی در میان رهبران کارگری و کارگران کمونیست تبدیل نشده است و هنوز یکی از معضلات جنبش کارگری در ایران است. ما هنوز تا داشتن رهبران چپ و کمونیستی که در راس جنبش کارگری قرار بگیرند و بعنوان شخصیتهای شناخته شده جامعه توانایی جابجایی نیرو داشته باشند، رهبرانی که بتوانند مردم را پشت سر خود بسیج کنند و جامعه آنها را بعنوان شخصیتهای با اتوریتیه و معتبر بشناسد بسیار فاصله داریم. همانطور که اشاره کردم این جنب و جوش مدتی است که شروع شده اما کماکان سنتهای گذشته، سنتهایی که حمید تقوایی قبلاً در نوشته های خود در این زمینه به آنها اشاره کرد، هنوز بعنوان مانع عمل میکنند. هنوز رهبران اعتراضی کارگران به مکانیزمهای اجتماعی مبارزه به خوبی دست نمیبرند و از جمله هنوز از ابزارهای اجتماعی برای اینکه صدای اعتراض خود را به سطح جامعه ببرند و از رسانه های

مختلف و تلویزیون کانال جدید برای انعکاس خبر مبارزه شان نه تنها در سطح داخلی بلکه در سطح بین المللی سود جویند، کاملاً استفاده نمیکند. هنوز مبارزات کارگری در بسیاری جاها در سطح کارخانه ها محدود میماند و از سوی کارگران و رهبران اعتراضات کارگری، برای جلب حمایت بخشهای مختلف جامعه از اعتراض و خواسته های کارگری صورت نمیگیرد. و هنوز رهبران کارگری و کارگران کمونیست خود را در قامت يك رهبر در سطح جامعه نمیبینند و نقش خود را به کارخانه و به يك اعتراض معین محدود میبینند. اینها همه سنتهای بازدارنده ایست که بعنوان موانعی جدی در قدرتگیری اعتراضات امروز کارگران نقش دارند. کارگران ایران پویا که برای دستمزدهای پرداخت نشده خود مبارزه میکنند، مورد ضرب و شتم قرار میگیرند، بطوریکه چند نفر آنها به بیمارستان برده میشوند، اما آنقدر انعکاس این اعتراض محدود است که ما با سیل نامه های حمایتی از این کارگران و ارسال دسته های گل به حمایت از کارگرانی که زخمی شده اند و پشتیبانی جانانه دیگر کارگران از آنان روبرو نمیشویم. هنوز دخالت خانواده های کارگری در این مبارزات بعنوان يك نیروی مهم در تقویت آنان جای خود را کاملاً باز نکرده است. اگر چه در این زمینه پیشروی هایی داشته ایم و ما شاهد شرکت و دخالت هر چه بیشتر آنان در اعتراضات هر روزه کارگری هستیم. باید این موانع را بر طرف کرد و کارگران کمونیست و رهبران کارگری باید بعنوان رهبر اعتراضات کارگری سخن بگویند و جامعه را مورد خطاب قرار دهند. با دست بردن به چنین مکانیزمهای اجتماعی است که اعتراضات قدرت میگیرند و شکل سراسری پیدا میکنند. با وجود چنین رهبرانی است که جنبش اعتراضی کارگری نیز میتواند پشت آنها به خط شود.

دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و تشکل شوراهای يك حلقه کلیدی در جنبش کارگری

من در بحثهایم در این نوشته به قوام



از صفحه ۱

این جنگ سرمایه داران علیه کارگران باید متوقف شود



جاسوسی و سرکوب کارگران بپرسد آیا اساسا در جمهوری اسلامی قانونی هست که علیه سرمایه داران و پیمانکاران جنایتکار وضع شده باشد؟ کدام کارگر است که نداند قوانین ضد کارگری ای که توسط مجلس اسلامی بتصویب رسیده برای تحمیل بی حقوقی کامل و به بردگی کاشانین کارگران و در جهت منافع سرمایه داران بوده است، و اصولا چه فرقی هست بین کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی که استثمار وحشیانه کارگر را هدف خویش قرار داده اند؟ آیا در این سیستم سرمایه داری و یک حکومت مذهبی وحشی و استثمارگر، کارگر اصولا حقوقی دارد؟ آیا کارگر آزاد است که تشکل واقعی و شورائی خودش را داشته باشد تا بتواند از مطالبات بحق خود دفاع کند؟ حق تشکل و حق اعتصاب که از بدیهی ترین حقوق کارگران در سراسر جهان است تنها برسمیت شناخته نشده بلکه با درست کردن انجمن های اسلامی، بسیج کارخانه، اداره حفاظت، حراست، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و غیره در کارخانه ها و محلهای کار و با گماردن مزدوران سرمایه در این ارگانها به سرکوب کارگران

مبتلا گشتن به سرطان ریه هستند در عمق ۵۴۰ متری زمین کارکنند و به علت خاموشی تهویه ها بمنظور صرفه جویی پیمانکاران زالوصفت کارگران جان خویش را از دست بدهند؟

با وجود اخطارهای قبلی، کارفرمایان و پیمانکاران هیچگونه تلاشی در جهت رعایت مسائل ایمنی محیط کار و حفظ جان کارگران معادن انجام ندادند و این جنایات علیه این کارگران به این دلیل تحمیل میشود که دولت ضدکارگر جمهوری اسلامی و کارفرمایان سودجو نمیخواهند هزینه ایمنی کار را بپردازند، این قاتلین تنها به فکر سود و استثمار کارگران هستند. حیرت آور این است که نماینده "خانه کارگر" اسلامی (عباس کاریخش) میگوید: "برغم انفجار گاز در معدن باب نیزو و کشته شدن ۹ معدن کار، هنوز برخورد لازم و قانونی با پیمانکار معدن صورت نگرفته و ما انتظار داریم که مسئولان ذیصلاح ضمن مجازات مقصرین حادثه، موجبات تسلی خاطر خانواده های داغدار کارگران کشته شده در این حادثه را فراهم سازند." یکی نیست از این نماینده خودگمارده و عضو ارگان

اطلاعیه طول موج جدید رادیو انترناسیونال ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

به اطلاع میرسانیم که از یکشنبه ۸ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۳۰ اکتبر ۲۰۰۵، طول موج رادیو انترناسیونال تغییر میکند. شما از ۸ آبان برنامه های رادیو انترناسیونال را، هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز، خواهید شنید.

تا ۸ آبان و بدلیل تغییر ساعت در ایران موقتا برنامه ای رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۸ به وقت تهران و روی طول موج فعلی یعنی ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود.

لطفا طول موج جدید و ساعت پخش رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید.

پیامگیر: ۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۶۵۶۳۶۲

e.mail: radio7520@yahoo.com

مدیر رادیو انترناسیونال، سیاوش دانشور

۱۰ اکتبر ۲۰۰۵

سوسیالیست و رهبران عملی کارگران دست زده اند. به نظر من باید کمک کرد جمعی متشکل از نمایندگان کارگران معدن باب نیزو و خانواده های کارگران جان باخته و نمایندگانی از کارگران مراکز کلیدی ایجاد شود که احقاق حقوق کارگران را پیگیری کند، محاکمه عاملین این جنایت و بعهدہ گرفتن کامل تأمین زندگی خانواده کارگران جانباخته توسط کارفرمای این معدن دو وجه مهم کار و فعالیت چنین جمعی میتواند باشد. حل مسائل و مشکلات کارگران معادن همچون معضلات سایر بخشهای طبقه کارگر ایران تنها و تنها از طریق سازماندهی، جلو افتادن رهبران کارگران، تشکیل مجمع عمومی کارگران و اتخاذ تصمیم و انتخاب نمایندگان مستقیم کارگران در این مجامع عمومی میتواند کارساز باشد.

این جنایت جمهوری اسلامی و سرمایه داران باید مورد محکومیت تمامی کارگران ایران بویژه کارگران صنایع کلیدی و سنگین که نقش مهمی در مبارزات طبقه کارگر در تحولات حساس کنونی دارند، قرار بگیرد. رهبران سوسیالیست و رادیکال نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، ذوب آهن، ماشین سازیها با فراخوان مجمع عمومی و صدور قطعنامه ها باید به کمک کارگران معادن بشتابند و از حقوق عادلانه خانواده های جان باخته که در شرایط ناگواری بسر میبرند، دفاع کنند. هر جنایتی که از طرف سرمایه داران و دولت اسلامیشان به هر بخش از

طبقه کارگر میشود عین جنایت و حمله به کل طبقه کارگر میباشد. سازماندهی پشتیبانی، همبستگی، اتحاد و یکپارچگی کارگران شرط رسیدگی و دستیابی به مطالبات و خواستهای کارگران معادن "باب نیزو" زرد کرم است. تبدیل شدن محلهای کار به قتلگاه کارگران جنگ اعلام نشده و در حال جریان طبقه سرمایه دار علیه طبقه کارگر است که مرتب دارد از کارگران قربانی میگیرد و با وجود حکومت کثیف اسلامی ابعاد آن بطرز وحشتناکی افزایش پیدا میکند، این جنگ باید مورد اعتراض تمامی

کارگران و مردم شریف قرار بگیرد و باید آنرا متوقف کرد.

کارگران و اکثریت مردمی که کمرشان زیر فشار حاکمیت سرمایه خم شده است شایسته برخورداری از زندگی بهتر و دنیای بهتری هستند و این امر بدست نمی آید مگر اینکه طبقه کارگر کل جامعه را آزاد کند. پیروزی این مبارزه در گرو پیروزی انقلاب کارگری برهبری حزب کمونیست کارگری ایران و سربلند کردن جنبش شورائی و مجامع عمومی سازمانیافته کارگران در ابعاد وسیع است. ۲۵ مهر ۱۳۸۴

امروز فعالین و رهبران کارگری هیاتهای موسس شوراهای را شکل دهند و با ارتباط با کارگران در کارخانجات مختلف و دامن زدن به جنبش مجامع عمومی در کارخانجات مختلف به استقبال تشکیل شوراهای واقعی کارگری بروند.

باید حول شعارهای سراسری و بسیج کنند متحد شد

متحد شدن حول خواستهای سراسری کارگری مثل خواست افزایش دستمزدها، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده، یا کاریا

به وجود آن در محیطهای کار رسمیت دهند و آنرا به دولت و کارفرما تحمیل کنند. در عین حال امروز شرایط کاملا مهیاست که حول خواستهای سراسری چون پیگیری دستمزدهای پرداخت نشده، علیه بیکاری، مبارزه علیه بیکارسازیها، علیه استخدا مهای موقت و غیره و غیره انواع و اقسام کمیته ها و نهادها را شکل داد و این خواستها را پیگیری کرد. میتوان وجود چنین تشکلهایی را دوفاکتو به رژیم تحمیل کرد و آنها را به ابزار قدرتمندی برای پیشبرد اعتراض کارگران تبدیل کرد. میتوان همین

یافتن هر روزه مجامع عمومی کارگری اشاره کردم. اینجا تاکیدم اینست که با توجه به پیشروی های تآکنونی در این عرصه و با توجه به توازن قوای سیاسی جامعه میتوان به مجامع عمومی کارگری شکلی منظم و سازمانیافته داد و پایه های شوراهای واقعی کارگری را شکل داد. این دست فعالین و رهبران کارگری را میبوسد که از هر فرصتی برای تشکیل این مجامع استفاده کنند. مطلوبیت آنرا بعنوان ظرف ابراز اراده کارگران در میان آنان جا بیندازند و با قدرت و اتحاد کارگران

کردستان و پتروشیمی بیستون نیز بر آن تاکید کردند. مبارزه حول دستمزد ۴۵۰ هزار تومان تا همینجا خود نمونه روشنی از ممکن بودن مبارزه حول خواستهای سراسری کارگری است و نشان میدهد که دامن زدن به چنین مبارزاتی چگونه میتواند مبارزه بخشهای مختلف طبقه کارگر را به هم پیوند داده و شکل سراسری به این اعتراضات دهد.

اینها همه آن حلقه های کلیدی است که باید توسط رهبران کارگری و فعالین کارگری بدست گرفته شود و با بدست گرفتن آنها با افق و چشم انداز روشنی به جلو گام برداشت.*

بیمه بیکاری، لغو استخدام های برده وار موقت و استخدام رسمی کارگران، یک شکل عملی گسترش دامنه اعتراضات در شرایط کنونی است. ما هم اکنون شاهد پیوند خوردن اعتراضات در بخشهای مختلف کارگری حول خواست ۴۵۰ هزار تومان هستیم. خواستی که از جانب کارگران نساجی کاشان طرح شد و بعد از آن توسط کارگران کارخانه فیلور، کشتی سازی صدرا اعلام شد و ۱۶۰۰ کارگران در پتروشیمی ماهشهر طومار اعتراضی حول آنرا امضا کردند و کارگران نساجی شاهو و نساجی

حمله و توطئه عوامل کارفرما با همکاری پلیس

علیه کارگران اعتصابی در کانادا

مهران محبوبی

زمان انتشار این گزارش در روزنامه ناشنال پست کانادا، اعتصاب و پیکت کارگران ادامه داشته و کارگران گفته اند که اجازه نخواهند داد اعتصاب شکن را وارد کارخانه کنند. کمپانی مربوطه به بهانه غیر قانونی بودن این عمل اعتصابیون شکایت را به دادگاه استان برده و گفته شده اگر دادگاه رای تایید بدهد، آر سی ام پی میتواند اعتصابیون را مجرم شناخته و تحت تعقیب قانونی قرار دهد. رئیس اتحادیه کارگری تقاضای دخالت مقامات دولت را که یکبار قرارداد آنها را تایید کرده بود داده است. کمپانی مذکور این قرارداد را هیچ وقعی ننهاد، و بجایش قرارداد دیگری وارد کرده اند که با رد اتحادیه پاسخ گرفته است.

بعد از زد و خورد به بیمارستان منتقل میشوند. در شب حادثه بگفته شاهدین عینی و دبیر اتحادیه محصولات غذایی لوکال ۴۰۱ آقای "داگ اوهارلورن" پلیس مخفی و عادی کانادا در صحنه حضور داشته اند و شاهد این واقعه بوده و هیچ عکس العملی برای جلوگیری از این ضرب و شتم از خود نشان نمیدهند. هیچکدام از توطئه گران حادثه از جمله کمپانی مربوطه و مقامات پلیس حاضر در صحنه حاضر به پاسخگویی سوالات خبرنگاران نمیشوند.

قابل ذکر است که در حین این واقعه حمله کنندگان فریاد میزدند که چرا به کانادا آمدید؟ برگردید به کشورهای خودتان! تا ۱۴ اکتبر،

از قرار معلوم در استان آلبرتا ی کانادا يك شرکت آمریکایی که يك سوم گوشت کانادا را فراهم میکند، طی ماههای اخیر نتوانستند با اتحادیه کارگران بر سر قراردادی که دولت این استان هم آنرا تایید کرده بود به توافق برسند.

کارگران اعتصاب و پیکت قانونیشان را سازمان دادند. کارفرما با همکاری پلیس و آر سی ام پی دست به توطئه ای میزنند که بتوانند کارگران اعتصاب شکن را وارد کارخانه کنند که تا آنموقع موفق به آن نشده بودند. تعداد ۳۰ نفر با یونیفرم و کلاه های ایمنی مامورین کمپانی با لوله های فلزی به صف پیکت کارگران حمله ور میشوند، بطوری که تعداد زیادی از کارگران

مطبوعاتی و گزارش سالانه ایشان انجام اقدامات جدی تری را علیه جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق ابتدائی کارگران در ایران درخواست خواهیم کرد و آنرا پیگیری خواهیم کرد. ما همچون گذشته و بویژه مانند سال قبل اطلاعات و اخبار اعتراضات کارگری و سرکوب مبارزات کارگری و تحمیل بی حقوقی به کارگران ایران را به اطلاع کنفدراسیون اتحادیه های آزاد و سایر سازمانهای کارگری خواهیم رساند و رهبران کارگری در ایران نیز باید خود مستقلاً این کار را بکنند و آیال او و کنفدراسیون را زیر فشار بگذارند تا برای احقاق حقوق کارگران ایران، که خودشان هم به پایمال شدن آن اذعان کرده اند، کاری جدی انجام بدهند. اولین قدم بیرون انداختن شوراهای اسلامی و نمایندگان جمهوری اسلامی از آیال او است.

اما مبارزات و اعتراضات کارگری حاصل تلاش سازمان یافته توده کارگران است، و این سازمان یافتگی توده کارگران باید وارد مرحله دیگری بشود. موقعیت جمهوری اسلامی مثل سابق نیست. نمیشود هم دستمزد کارگران را نپرداخت و هم از آنان خواست که ساکت باشند و اعتراضی نکنند! مجامع عمومی ای که اعتراضات کارگری حاصل آنهاست باید آنچنان منظم و بهم مرتبط شوند که قدرت اتحاد طبقاتی کارگران را برای تغییر وضعیت موجود بمیدان بکشد. ۲۳ اکتبر ۲۰۰۵

جمهوری اسلامی، از خطرناکترین کشورها برای فعالین کارگری

شروع خوبی است. کارگران ایران این اقدام ICFTU را به فال نیک میگیرند و در عین حال مشخصاً از این سازمان خواهند پرسید که بعد از این چه برنامه مشخصی را در دستور کار خود در رابطه با همین گزارش و نقض حقوق اولیه کارگران از جمله نپرداختن دستمزدها و سرکوب اعتراضات کارگری دارد. گفتم که شروع خوبی است؛ اما ابدا کافی نیست! کارگران ایران هنوز هم، حتی بعد از اعتراض رسمی آیال او به دولت اسلامی ایران در رابطه با نپرداختن دستمزدهای کارگران، دستمزدهایشان پرداخت نمیشود. هنوز هم اعتراض به این توحش، با پاسدار و بسیجی جواب میگیرد. اطلاعیه مطبوعاتی ICFTU ایران را متأسفانه محکوم نمیکند. با اینکه به دست ساز بودن شوراهای اسلامی کار اشاره میکنند، اما معلوم نیست چرا به حضورشان در اجلاس سالانه آیال او بعنوان نمایندگان کارگران ایران اعتراض نمیکند؟ ICFTU از مهمترین اعضای آیال او است؛ و قاعدتاً با توجه به این گزارش باید به حضور شوراهای اسلامی کار و خانه در آیال او باید اعتراض کند، اما چنین نمیکند.

ما بعنوان اعضای حزب کمونیست کارگری ایران باز هم سراغ اتحادیه های کارگری عضو این کنفدراسیون خواهیم رفت و اینبار مشخصاً بر اساس همین اطلاعیه

کارگران پتروشیمی بیستون کرمانشاه دست به اعتصاب زدند

سراسر ایران است و باید با حمایت قاطع همه کارگران و مردم آزادیخواه مواجه شود.

تغییر قرارداد یکماهه به یکساله يك موفقیت برای کارگران این کارخانه است و الگویی برای میلیونها کارگر قراردادی در سراسر کشور است. حزب همه کارگران قراردادی را فرامیخواند علیه قراردادهای موقت دست به اعتراض بزنند و ضمن حمایت و پشتیبانی از کارگران بیستون کرمانشاه، خواهان لغو قراردادهای موقت و عقد قراردادهای دائمی و دسته جمعی شوند. اعتصاب کارگران بیستون و موفقیت آنها نشان داد که تحمیل این خواست به کارفرما و دولت کاملاً عملی است. در اطلاعیه های بعدی جزئیات بیشتر این اعتصاب را به اطلاع عموم خواهیم رساند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اکتبر ۲۰۰۵، آبان ۱۳۸۴

بیکاران تحت پوشش بیمه بیکاری شدند.

در نتیجه این اعتصاب ۳۰ نفر از کارگران بخش تعمیرات موفق شدند قرارداد یکماهه را لغو کنند و قرارداد یکساله به کارفرما تحمیل کنند. اما هنوز موفق به بازگرداندن رفقای اخراجی و سایر خواستهای خود نشده اند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران پتروشیمی بیستون و خواستهای آنها قاطعانه حمایت میکند. حزب از همه کارگران پتروشیمی بیستون، کارگران مراکز مختلف در کرمانشاه و در سراسر کشور میخواهد که به هر شکل میتوانند از کارگران پتروشیمی بیستون حمایت کنند. ممنوعیت اخراج، لغو قراردادهای موقت و عقد قراردادهای دسته جمعی، بازگشت به کار کارگران اخراجی، قرارگرفتن کلیه بیکاران تحت پوشش بیمه بیکاری و ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد، خواستهای کارگران در

طی خبری که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، کارگران پتروشیمی بیستون در کرمانشاه امروز در اعتراض به اخراج تعدادی از همکاران خود، موقت بودن قراردادها و نامعلوم بودن دستمزد خود دست به اعتصاب زدند. کارگران بخش تعمیرات که ۶۰ نفر میباشند طوماری تهیه کرده و همگی آنرا امضا کردند. يك ماه قبل، یعنی روز دوم مهرماه نیز ۸۰ نفر از کارگران قراردادی این کارخانه دست به اعتصاب زدند و خواستهای خود را در يك قطعنامه ۵ ماده ای اعلام کردند. منع اخراج کارگران به هر بهانه و تحت هر شرایطی، بازگشت به کار فوری ۴۰ نفر از کارگران اخراجی، عقد قرارداد دسته جمعی، حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان و منع هر گونه مصاحبه و پرسش فنی و غیره، مطالبات این طومار بود. در اعتصاب امروز نیز کارگران بر خواستهای مشابهی تاکید کردند. علاوه خواهان قرار گرفتن کلیه

یک دنیای بهتر
برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!